

## بررسی نقش همدلی و باورهای ماکیاولیستی در کفایت و عدم کفایت اجتماعی دانش‌آموزان نه تا دوازده ساله

دکتر مرتضی لطیفیان\*\*

مژگان عارفی\*

دانشگاه شیراز

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی ارتباط و قدرت پیش‌بینی‌کنندگی متغیرهای همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی در کفایت و عدم کفایت اجتماعی دانش‌آموزان نه تا دوازده ساله‌ی شهر شیراز بود. به این منظور، ۱۸۸ دانش‌آموز پایه‌ی چهارم، پنجم دوره ابتدایی و اول راهنمایی به شیوه‌ی خوشه‌ای چند مرحله‌ای از مدارس عادی شهر شیراز انتخاب شدند. در این پژوهش برای سنجش باورهای ماکیاولیستی از مقیاس باورهای ماکیاولیستی مخصوص کودکان کریستی و گیس و به منظور ارزیابی همدلی گرم، از شاخص همدلی گرم بریانت استفاده شد. رفتارهای پرخاشگری ارتباطی و آشکار، انزواطلبی و عدم محبوبیت میان همسالان که به عنوان شاخص عدم کفایت و رفتارهای جامعه‌پسند و محبوبیت میان همسالان که به عنوان شاخص کفایت اجتماعی در نظر گرفته شدند، با شیوه‌ی جامعه‌سنجی و با استفاده از مقیاس‌گزینش همسالان کریک و گروتیتر تعیین گردید. برای تحلیل داده‌ها از روش آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد و نتایج زیر به دست آمد: الف) بین همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی رابطه‌ی منفی وجود داشت. ب) باورهای ماکیاولیستی با کفایت اجتماعی رابطه‌ی منفی و با عدم کفایت

دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۲	ارسال جهت اصلاحات: ۸۹/۳/۲۳
دریافت اصلاحات: ۸۹/۷/۱۳	ارسال به داور نهایی: ۸۹/۸/۱۶
دریافت پاسخ داور نهایی: ۸۹/۹/۲۱	پذیرش: ۸۹/۱۰/۶

\* دکترای روانشناسی تربیتی  
\*\* دانشیار بخش روانشناسی تربیتی

اجتماعی رابطه‌ی مثبت داشت. ج) رابطه‌ی همدلی گرم با کفایت اجتماعی مثبت و با عدم کفایت اجتماعی منفی بود. د) باورهای ماکیاولیستی و همدلی گرم از توان لازم برای پیش بینی کفایت و عدم کفایت اجتماعی دانش‌آموزان برخوردار بودند. در پایان بر مبنای یافته‌های به دست آمده شیوه‌های تربیتی و درمانی برای رشد همدلی گرم و کاهش باورهای ماکیاولیستی پیشنهاد شده است.

**واژه‌های کلیدی:** همدلی گرم، باورهای ماکیاولیستی، عدم کفایت اجتماعی، کفایت اجتماعی

#### ۱. مقدمه

بررسی رفتارهای جامعه پسند<sup>۱</sup> و ضد اجتماعی کودکان و شناسایی عوامل و متغیرهای ایجادکننده‌ی این تفاوت، از دیرباز مورد توجه روان‌شناسان رشد بوده است. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، بیانگر آن است که دو عامل باورهای ماکیاولیستی<sup>۲</sup> و تمایلات همدلانه‌ی کودکان، نقش مهمی در ایجاد این تفاوت‌ها ایفا می‌نماید. کریستی و گیس در سال ۱۹۷۰ برای اولین بار به نقش باورهای ماکیاولیستی در ارتباطات اجتماعی اشاره نمودند و از آن پس اصطلاح ماکیاولیسم در پژوهش‌های علوم اجتماعی و روان‌شناسی به کار گرفته شد. کریستی و گیس با این اعتقاد که باورهای افراد، شالوده‌ی تعاملات اجتماعی آنان را پی ریزی می‌نماید و در واقع نگرش‌های خاص در مورد طبیعت انسان، چگونگی رفتار با دیگران را تحت تاثیر قرار می‌دهد، به شناسایی عوامل ایجادکننده‌ی تفاوت‌های فردی در ارتباطات اجتماعی کمک شایانی نمودند. این پژوهش‌گران با توجه به این مطلب که برخی افراد به طور کلی مردم را غیر قابل اعتماد و فریبکار می‌دانند، در حالی که برخی دیگر ممکن است اعتقاد زیادی به عدالت انسان‌ها داشته باشند و آن‌ها را موجوداتی رئوف، مهربان و راستگو بدانند، به ساختن مقیاس مشهور باورهای ماکیاولیستی برای اندازه‌گیری این نگرش‌ها اقدام کردند.

علی، آموریم و چامورو- پری مازیک (۲۰۰۹) یکی از ویژگی‌های بارز ماکیاولیست‌ها را سردی عاطفی و عدم صمیمیت در ارتباطات افراد معرفی می‌نمایند. نتایج پژوهش ساتون و کو (۲۰۰۱) نیز حاکی از اعتقاد ماکیاولیست‌ها به عدم صداقت در انسان‌ها و نیز بی‌اعتمادی در روابط با دیگران است. پژوهش‌گران مذکور هم‌چنین خاطر نشان می‌کنند که

ماکیاولیست‌ها از تاکتیک‌های تسلط یابی بر ذهن و فریب دیگران، بدون متاثر شدن از عواطف و هیجانات دیگران، استفاده می‌کنند. رایتسمن (۱۹۹۱) نیز سردی عاطفی یا عدم وابستگی سرد<sup>۳</sup> در ارتباط افراد را از خصوصیات بارز ماکیاولیست‌ها معرفی کرده است. سردی عاطفی در ماکیاولیست‌ها به شکل فقدان همدلی گرم<sup>۴</sup> یا نگرانی همدلی<sup>۵</sup> که از ابعاد همدلی است، نمایان می‌شود. همدلی گرم اغلب به عنوان یک ویژگی چند بعدی که شامل ابعاد شناختی (همدلی سرد) و هیجانی (همدلی گرم) است، در نظر گرفته می‌شود. همدلی سرد به توانایی فرد برای ادراک وضعیت نیازمندی دیگران اشاره دارد و همدلی گرم یا بعد هیجانی همدلی، به انعکاس هیجانی حالات عاطفی دیگران در شخص اشاره دارد (تامسون و بارنت، ۱۹۸۵).

تامسون و بارنت (۱۹۸۵) در مورد تمایز هر چه بیشتر دو بعد همدلی، با کودکان ماکیاولیست مطالعه‌ای انجام دادند. نتایج مطالعه‌ی این پژوهش‌گران، حاکی از توانایی بالای ماکیاولیست‌ها در دیدگاه‌گیری عاطفی و توانایی پایین آنان در نگرانی همدلی یا همدلی گرم بود. یافته‌های پژوهش‌گران مذکور هم‌چنین حاکی از احتمال اندک انجام رفتارهای جامعه پسند و مثبت از سوی ماکیاولیست‌ها بود. بر همین اساس، این دو پژوهش‌گر خاطر نشان می‌کنند که به احتمال زیاد ماکیاولیست‌ها از احساسات و عواطف دیگران آگاهند، اما حساسیتی به این احساسات ندارند. مودراک (۱۹۹۰) در توصیف ماکیاولیست‌ها آنان را به افرادی که قادر به تشخیص معنای کلمات یک ترانه، اما عاجز از درک هیجان موسیقی آن هستند، تشبیه می‌نماید. نتایج مطالعات اندرو (۲۰۰۴) و ساتون و کو (۲۰۰۰) نیز، ماکیاولیست‌ها را افرادی با هوش هیجانی بالا (قدرتمند در درک حالات هیجانی دیگران) و در مقابل توانایی اندک در همدلی گرم معرفی می‌کنند. یافته‌های مطالعه‌ی پلارینی (۲۰۰۱) که با نمونه‌ای از افراد بزرگسال ماکیاولیست انجام شد، تایید دیگری بر امکان وجود همدلی سرد بدون وجود همدلی گرم در این گونه افراد است. این پژوهش‌گر نشان داد که افراد ماکیاولیست دارای نمرات بالا در زیر مقیاس فانتزی (که بعد شناختی همدلی را می‌سنجد) و نمرات پایین در زیر مقیاس مربوط به همدلی گرم یا هیجانی هستند (به نقل از مک ایلوین، ۲۰۰۳).

اهمیت باورهای افراد و نحوه‌ی تاثیرگذاری آن بر روابط اجتماعی، پژوهش‌گران و اندیشمندان را به بررسی چگونگی رفتار ماکیاولیست‌ها در دنیای واقعی و رابطه بین باورهای ماکیاولیستی و جایگاه و موقعیت اجتماعی بین همسالان و دوستان علاقه مند

نموده است. پاره‌ای از مطالعات که به بررسی رابطه‌ی بین باورهای ماکیاولیستی و موقعیت اجتماعی کودکان بین همسالان اختصاص یافته اند، به رابطه‌ی این متغیر با جایگاه اجتماعی در بین دوستان اشاره دارد. مطالعه‌ی اسلوتر و پریچارد که در سال ۲۰۰۰ با گروهی از کودکان انجام شد، از جمله این مطالعات است. این پژوهش‌گران، بر اساس فرضیه‌ی بارنت و تامسون (۱۹۸۵) مبنی بر وجود رابطه‌ی منفی بین ماکیاولیسم و رفتار جامعه‌پسند و بالعکس رابطه‌ی مثبت متغیر مذکور با پرخاشگری، هشتاد و هفت کودک دختر و پسر بین سنین چهار تا پنج ساله را مورد بررسی قرار دادند. موقعیت اجتماعی کودکان با شیوه‌ی جامعه‌سنجی، که لازمه‌ی آن انتخاب از سوی همسالان بود، انجام شد و بدین ترتیب کودکان محبوب، متوسط و نادیده گرفته شده، ستیزه‌جو و مطرود، گزینش شدند. نتایج به دست آمده در مورد این پنج گروه از کودکان و ارتباط آن با نمرات مقیاس باورهای ماکیاولیستی حاکی از این مطلب بود که بالاترین نمرات در مقیاس باورهای ماکیاولیستی به ترتیب مربوط به کودکان ستیزه‌جو، طرد شده، نادیده گرفته شده، متوسط و محبوب بود. در این مطالعه، علاوه بر مقایسه‌ی گروه‌های پنجگانه در باورهای ماکیاولیستی، از تحلیل رگرسیون هم به منظور بررسی اهمیت نسبی ماکیاولیسم در پیش بینی موقعیت اجتماعی کودک در گروه دوستی استفاده شد. نتیجه‌ی این تحلیل نشان داد که باورهای ماکیاولیستی کودکان پیش‌بینی‌کننده‌ی بسیار خوبی برای موقعیت اجتماعی آنان در گروه دوستی است و به این ترتیب، فرضیه‌ی ارتباط باورهای ماکیاولیستی با جایگاه اجتماعی افراد در گروه دوستی مورد تایید قرار گرفت.

اظهارات ساتون و کو (۲۰۰۰)، مبنی بر همدردی کمتر کودکان ماکیاولیست با قربانیان پرخاشگری نیز، شاهد دیگری بر این ادعا است. به هر حال، مطالعات دیگر در این رابطه نشان داد که ضرورتاً باورها و افکار ماکیاولیستی با عدم کفایت اجتماعی همراه نیست. پژوهش‌های انجام شده با افراد قلدر<sup>۶</sup> و جامعه‌ستیز<sup>۷</sup> به خوبی گویای این مطلب است. به عنوان نمونه، یافته‌های مطالعات مک‌هاسکی، ویزرل و سیارتو، (۱۹۹۸)، اسمیت و شارپ (۱۹۹۴) نشان داد، که اگرچه افراد قلدر از نظر کفایت اجتماعی ضعیف هستند و در بین همسالان دارای جایگاه اجتماعی پایین می‌باشند، اما لزوماً همه‌ی آن‌ها دارای افکار و باورهای ماکیاولیستی نمی‌باشند. گفتنی است همان‌طور که عدم کفایت اجتماعی ضرورتاً به معنای داشتن باورهای ماکیاولیستی نیست، داشتن باورهای ماکیاولیستی هم لزوماً به معنای رفتار ماکیاولیستی و عدم کفایت اجتماعی نمی‌باشد. (مازا و همکاران، ۲۰۰۳).

به نظر می‌رسد متغیری که در این میان نقش تعیین کننده ایفا می‌نماید و چگونگی ارتباطات اجتماعی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، همدلی گرم است. طبق تعریف، همدلی گرم شریک شدن در هیجانات دریافت شده از دیگران است (آیزنبرگ و میلر، ۱۹۸۷). فرض زیربنایی برای تاثیر گذاری همدلی گرم بر رفتار افراد به این امر اشاره دارد که میزان بالای همدلی گرم موجب سرکوبی رفتار ضد اجتماعی و افزایش احتمال رفتار جامعه پسند می‌گردد. این موضوع به این دلیل است که توانایی تجربه یا ادراک هیجانات منفی اشخاص دیگر (مثل ترس و ناراحتی) موجب بر انگیزتن شخص با همدلی بالا برای انجام اعمالی در جهت رفع ناراحتی و هیجانات منفی می‌گردد. این رفتارها ممکن است به دلایل انسان دوستانه (مانند کمک به دیگران) یا دلایل خودخواهانه (به عنوان نمونه، کاهش ناراحتی دیگران) انجام گیرد. هم‌چنین ممکن است فردی با همدلی قوی از طریق رفع نیازمندی و ایجاد لذت در دیگران به طور جانشینی لذت را تجربه کند و در نتیجه پاداش دریافت نماید. به بیان دیگر، از آنجا که همدلی گرم تجربه‌ی جانشینی هیجانات و عواطف دیگران است، اطلاعات بسیار دقیقی در اختیار فرد قرار می‌دهد و قدرت به فعل رساندن تمایلات انسان دوستانه و جامعه پسند را دارد (مک ایلوین، ۲۰۰۳). با این توصیف، تعجب‌آور نیست اگر بسیاری از پژوهش‌گران کمبود همدلی را دلیل اصلی قلدری و رفتارهای نامناسب کودکان در مدرسه می‌دانند (به عنوان نمونه، ایندرسن و اولویوس، ۲۰۰۲: جولیف و فارینگتون، ۲۰۰۶). همدلی گرم، به عنوان یک پاسخ عاطفی که از ادراک یا فهم حالت هیجانی یا تعارض دیگران ریشه می‌گیرد، محرکی در بر انگیزتن افراد برای کمک به دیگران است. نتایج مطالعه‌ی مک ماهون، ورسمن و پارنز (۲۰۰۶) نشان داد، نوجوانان آمریکایی - آفریقایی با همدلی گرم بیشتر، میزان بیشتری از رفتارهای جامعه پسند را گزارش نمودند. مطالعه‌ی استرایر و رابرتس (۲۰۰۴) نیز نشان داد، کودکانی که همدلی پایینی دارند، رفتارهای پرخاشگرانه‌ی بیشتری نشان می‌دهند. هم‌چنین گزارش شده است، کودکان سنین پیش دبستانی که نگرانی بیشتری برای دیگران ابراز کردند، دو سال بعد نیز مشکلات رفتاری کمتری نشان دادند (هاستینگز و همکاران، ۲۰۰۰). فرا تحلیل جولیف و فارینگتون (۲۰۰۴) نیز که حاکی از وجود رابطه‌ی منفی بین رفتارهای ضد اجتماعی و میزان همدلی گرم نوجوانان بود، تایید دیگری بر اهمیت همدلی گرم در ایجاد رفتارهای مثبت و اجتماعی است. افزون بر این، نتایج برخی پژوهش‌ها در این خصوص نشان داد که همدلی گرم به عنوان تعدیل‌گر پرخاشگری عمل می‌کند، به این ترتیب که با حذف متغیر

همدلی گرم، همبستگی بین هوش اجتماعی و همه انواع پرخاشگری افزایش می‌یابد (درحالی که از همبستگی بین هوش اجتماعی و اعمال صلح جویانه کاسته می‌گردد) (یورکوئیست و اوسترمن، ۲۰۰۶). پژوهش‌های دیگر در این زمینه نشان دادند که میزان بالای پاسخ‌های همدلانه به طور معنادار با رفتارهای جامعه‌پسند و کاهش رفتار پرخاشگرانه و قلدری در کودکان و نوجوانان مرتبط است (فیندلای، جیراردی و کاپلان، ۲۰۰۶، هافمن، ۲۰۰۱). آلپیرو، اینگوگلیا و لوکوکو (۲۰۰۱) نیز در این رابطه مطرح می‌کنند که فقط هیجان همدلی می‌تواند موجب تجربه‌ی جانشینی درد و رنج قربانی و سرکوبی رفتار پرخاشگرانه در افراد گردد و در نهایت، مدل سلسله‌مراتبی کلیفوردسون (۲۰۰۱)، ۲۰۰۲) بر نقش محوری نگرانی همدلی (همدلی گرم) در ایجاد رفتارهای جامعه‌پسند تأکید دارد. علی‌رغم پژوهش‌های مذکور که به نقش همدلی گرم در رفتارهای مثبت و جامعه‌پسند اشاره دارند، پاره‌ای از پژوهش‌ها به عدم رابطه‌ی همدلی گرم و عملکرد اجتماعی اذعان دارند. به عنوان نمونه، هاستینگز و همکاران (۲۰۰۰) و زان - واکسلر و همکاران (۱۹۹۵) گزارش کردند که در دوران پیش دبستانی، همدلی گرم و مشکلات رفتاری به ضرورت مرتبط نیستند. پژوهش جولیف و فارینگتون (۲۰۱۰) نیز که بر روی نوجوانان انگلیسی انجام شد، حاکی از ارتباط منفی همدلی گرم با قلدری تنها برای نوجوانان پسر بود، اما این الگو در مورد آزمودنی‌های دختر به دست نیامد. نتایج مطالعه‌ی ایندراسن و اولویوس (۲۰۰۲) که با ۲۲۸۶ نوجوان ۱۳ تا ۱۶ ساله‌ی نروژی انجام گرفت، نشان دهنده‌ی ضریب همبستگی ضعیف ۰/۱۵ بین قلدری و همدلی گرم بود.

با توجه به اهمیت دوره‌ی سنی ۹ تا ۱۲ سال، به خصوص در نظام آموزشی کشور ایران که با امتحانات نهایی پایان دوره‌ی ابتدایی و شروع دوره‌ی دیگری از تحصیلات (راهنمایی) مصادف می‌باشد، و همچنین همزمانی این دوره با شروع پدیده‌ی مهم و بحرانی بلوغ، شناسایی متغیرهای تاثیرگذار و مرتبط با عملکرد اجتماعی دانش‌آموزان در این دوره‌ی سنی به آنان کمک می‌کند تا از این دوره‌ی پرتلاطم به سلامت بگذرند و خود را برای ورود به مرحله‌ی دیگری از زندگی آماده نمایند.

تحقیقات طولی در زمینه‌ی عملکرد اجتماعی کودکان و چگونگی تاثیرگذاری آن بر رشد آنان، بیانگر اهمیت شناسایی متغیرهای مربوط به متغیر مذکور می‌باشد. در این راستا محققان نشان داده‌اند که پرخاشگری یکی از موثرترین شاخص‌ها برای پیش‌بینی ناسازگاری آینده‌ی کودکان است (کریک و داج، ۱۹۹۶). همچنین یافته‌ها بیانگر این مطلب

هستند که کودکان با رفتار جامعه پسند از سوی همسالانشان توجه مثبت دریافت می‌نمایند و در دوست یابی و ارتباط با دیگران، از سایر کودکان موفق‌تر هستند (واردن و ماکینون، ۲۰۰۳). نتایج پژوهش کریک و گروتپیتر (۱۹۹۵) نیز نشان می‌دهد که هم کودکان پرخاشگر و هم قربانیان پرخاشگری، از ناسازگاری هیجانی و اجتماعی کمتری نسبت به سایر همسالان برخوردارند. آنچه مسلم است، شناسایی متغیرهای مسئول و موثر در عملکرد اجتماعی کودکان و انجام پژوهش در این زمینه، به خصوص در ایران که جامعه‌ای جوان است، تلویحات و کاربردهای متعددی برای والدین، مربیان و مسئولان تعلیم و تربیت دارد. بنابراین، با توجه به خلا پژوهشی در زمینه‌ی مورد نظر در ایران و هم‌چنین سودمندی خدمات پژوهش‌هایی از این دست، ضرورت انجام پژوهش حاضر تایید می‌شود.

با عنایت به اینکه علی‌رغم پیشرفت‌های قابل ملاحظه در زمینه‌ی عملکرد اجتماعی کودکان، هنوز هم رواج پرخاشگری و قلدری در مدارس در بسیاری از کشورهای جهان از عمده مسایل و مشکلات مطرح است و ابهامات فراوانی که در حیطه‌ی مورد نظر باقی است (بیش از نیمی از برنامه‌های کاهش قلدری و پرخاشگری دانش‌آموزان در سرتا سر دنیا با شکست روبه رو شد، به عنوان نمونه، اولوس، ۱۹۹۳؛ اسمیت و شارپ، ۱۹۹۴) و نیز با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در مورد چگونگی و میزان رابطه‌ی همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی با انواع عملکرد اجتماعی دانش‌آموزان ۹ تا ۱۲ ساله‌ی ایرانی انجام نگرفته است، لذا مطالعه‌ی حاضر به این موضوع کلیدی و مهم، که چگونه و به چه میزانی همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی به طور مستقیم با رفتارهای جامعه پسند و پرخاشگرانه دانش‌آموزان در ارتباط هستند، اختصاص یافت. مطالعه‌ی حاضر با دو هدف اصلی؛ الف) بررسی رابطه‌ی باورهای ماکیاولیستی با کفایت و عدم کفایت اجتماعی ب) بررسی رابطه بین همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی و نیز بررسی نقش آن‌ها در پیش‌بینی کفایت و عدم کفایت اجتماعی، طراحی گردید. در مطالعه‌ی حاضر، با توجه به نتایج پژوهش‌هایی که به طور مختصر شرح داده شد، سوال‌ها به این ترتیب مطرح گردید:

- ۱) آیا بین همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی رابطه‌ی منفی وجود دارد؟ (۲) آیا باورهای ماکیاولیستی با کفایت اجتماعی رابطه‌ی منفی و با عدم کفایت اجتماعی کودکان رابطه‌ی مثبت دارد؟ (۳) آیا همدلی گرم با کفایت اجتماعی رابطه‌ی مثبت و با عدم کفایت اجتماعی رابطه‌ی منفی دارد؟ (۴) آیا همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی قادر به پیش‌بینی

کفایت و عدم کفایت اجتماعی کودکان هستند؟

## ۲. روش پژوهش

### ۲-۱. نمونه‌ی مورد مطالعه

جامعه‌ی آماری در این پژوهش، همه‌ی دانش‌آموزان کلاس‌های چهارم و پنجم دوره ابتدایی و اول راهنمایی که در مدارس عادی شهر شیراز به تحصیل اشتغال داشتند بود. نمونه‌ی پژوهش حاضر، ۱۸۸ نفر (۸۰ دختر و ۱۰۸ پسر) از دانش‌آموزان کلاس‌های چهارم (۵۹ نفر)، پنجم (۷۲ نفر) و اول راهنمایی (۵۷ نفر) بودند که به شیوه‌ی خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان مدارس ابتدایی و راهنمایی شهر شیراز انتخاب شدند. بدین منظور از میان مناطق چندگانه‌ی آموزش و پرورش شهر شیراز ابتدا دو منطقه (۲ و ۴) به طور تصادفی انتخاب شدند، سپس به طور تصادفی منطقه ۲ برای مدارس دخترانه و منطقه ۴ برای مدارس پسرانه انتخاب گردید و یک مدرسه راهنمایی دخترانه و یک مدرسه راهنمایی پسرانه از مناطق مذکور انتخاب شدند و از هر مدرسه یک کلاس اول راهنمایی به طور تصادفی انتخاب گردید (یک کلاس راهنمایی دخترانه و یک کلاس راهنمایی پسرانه). برای انتخاب آزمودنی‌ها از دوره‌ی ابتدایی، از میان مدارس ابتدایی هر منطقه یک مدرسه‌ی دخترانه و یک مدرسه‌ی پسرانه به طور تصادفی انتخاب گردید، سپس از هر مدرسه یک کلاس چهارم و یک کلاس پنجم به طور تصادفی از میان کلاس‌های چهارم و پنجم ابتدایی انتخاب شدند (به طور کلی یک کلاس چهارم دخترانه و یک کلاس چهارم پسرانه و یک کلاس پنجم پسرانه و یک کلاس پنجم دخترانه). دامنه‌ی سنی آزمودنی‌ها از نه سال و ده ماه تا حداکثر یازده سال و یازده ماه متغیر بود و میانگین و انحراف معیار سن به ترتیب برای پسران ۱۱/۰۳ و ۰/۷۵ و برای دختران ۱۱ و ۰/۷۹ سال بود.

### ۲-۲. ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر سه نوع ابزار استفاده شد که عبارت بودند از: ۱) مقیاس‌گزینش همسالان (۲) مقیاس مربوط به باورهای ماکیاولیستی مخصوص کودکان و (۳) مقیاس مربوط به همدلی گرم. دانش‌آموزان هر ابزار را به طور انفرادی تکمیل نمودند و آزمایشگر قبل از اجرا، توضیحات لازم را جهت تکمیل پرسشنامه ارائه می‌داد.

#### ۲-۲-۱. مقیاس‌گزینش همسالان:

این مقیاس را کریک و گروت پیتر در سال ۱۹۹۵ تهیه نمودند و دارای ۱۹ گویه و ۴



زیر مقیاس است و به منظور سنجش پرخاشگری ارتباطی<sup>۸</sup> (پنج گویه مانند: "اگر از دست کسی عصبانی شود به او بی‌اعتنایی می‌کند و دیگر با او حرف نمی‌زند")، پرخاشگری آشکار<sup>۹</sup> (هفت گویه مانند: "به دیگران مشت و لگد می‌زند و کتک کاری می‌کند")، رفتار جامعه پسند (۴ گویه همانند "به دیگران کمک می‌کند")، و انزواطلبی (سه گویه مانند: "بیشتر وقت‌ها تنها بازی می‌کند") دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گرفت. سازندگان مقیاس گزینش همسالان با تکیه بر منابعی که در جریان تهیه، بازنگری و تغییر آن مورد استفاده قرار دادند، این ابزار را حائز اعتبار و پایایی مطلوب می‌دانند. آنان روش تحلیل عامل را برای ارزیابی چگونگی تفکیک زیر مقیاس‌های چهارگانه و روش همسانی درونی آلفای کرونباخ را جهت پایایی ابزار مذکور به کار گرفتند. نتایج تحلیل عامل، حاکی از تفکیک چهار عامل پرخاشگری آشکار، پرخاشگری ارتباطی، رفتار جامعه پسند و رفتار انزواطلبی بود. ضرایب پایایی ابزار مذکور نیز برای عوامل یاد شده به ترتیب برابر با ۰/۷۶، ۰/۷۰ و ۰/۸۲ گزارش گردید. عارفی و رضویه (۱۳۷۸) روایی و پایایی مقیاس مذکور را برای دانش‌آموزان ایرانی مطلوب گزارش نمودند. روایی مقیاس مذکور با استفاده از شیوه تحلیل عامل مورد بررسی قرار گرفت که چهار زیر مقیاس پرخاشگری ارتباطی، پرخاشگری آشکار، رفتار جامعه پسند و انزواطلبی به دست آمد. بار عاملی این زیر مقیاس‌ها در دامنه‌ای از ۰/۵۳ تا ۰/۹۲ قرار داشت. پایایی مقیاس گزینش همسالان نیز که با روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید، ضرایب ۰/۸۹، ۰/۸۸، ۰/۹۰ و ۰/۹۶ را به ترتیب برای زیر مقیاس‌های رفتار جامعه پسند، انزواطلبی، پرخاشگری ارتباطی و آشکار نشان داد. در پژوهش حاضر از زیر مقیاس‌های پرخاشگری ارتباطی، پرخاشگری آشکار و رفتار جامعه پسند به منظور تعیین کفایت و عدم کفایت اجتماعی استفاده شد. علاوه بر زیرمقیاس‌های مذکور، دو گویه‌ی نیز جهت تعیین میزان محبوبیت و عدم محبوبیت کودکان بین همسالان با استفاده از شیوه‌ی جامعه‌سنجی، اجرا گردید.

## ۲-۲-۲. ابزار مربوط به سنجش همدلی:

به منظور بررسی میزان همدلی گرم دانش‌آموزان از شاخص همدلی برینانت (۱۹۸۲) استفاده گردید. محقق مذکور به منظور بررسی کفایت روایی سازه‌ی این مقیاس، ضریب همبستگی نمرات حاصل از مقیاس فوق را با نمرات پرخاشگری، محبوبیت، عدم محبوبیت و رفتار جامعه پسند محاسبه و روایی آن را مطلوب گزارش نمود. ضریب پایایی که به

روش باز آزمایی انجام شد، نیز حاکی از پایایی مناسب شاخص همدلی گرم بود ( $r = 0/77$ ). این مقیاس، شامل ۲۲ گویه است که به صورت مثبت یا منفی پاسخ داده می‌شود. پاسخ مثبت گرایش به همدلی و پاسخ منفی عدم گرایش به همدلی را نشان می‌دهد. نمره‌ی همدلی با جمع جبری پاسخ‌ها به دست می‌آید. عارفی (۱۳۸۶) روایی و پایایی مقیاس مربوط به همدلی برای دانش‌آموزان ایرانی را مطلوب گزارش نمود. پایایی این مقیاس، که به شیوه‌ی باز آزمایی با فاصله‌ی دو هفته از اجرای اول انجام شد، ضریب  $0/79$  را نشان داد. همبستگی منفی میان نمرات شاخص همدلی با پرخاشگری آشکار ( $r = -0/42$ ) و پرخاشگری ارتباطی ( $r = -0/37$ ) و رابطه‌ی مثبت مقیاس مذکور با رفتار جامعه‌پسند ( $r = 0/38$ ) دانش‌آموزان، حاکی از روایی‌سازهی مناسب این ابزار بود. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی ابزار مذکور از طریق باز آزمایی  $0/84$  به دست آمد.

### ۳-۲-۲. مقیاس مربوط به باورهای ماکیاولیستی:

به منظور مطالعه‌ی عقاید ماکیاولیستی، افراد نمونه، مقیاس باورهای ماکیاولیستی مخصوص کودکان را که کریستی و گیس در سال ۱۹۷۰ تهیه نموده بودند، تکمیل کردند. این مقیاس دارای ۲۰ سوال مدرج پنج نمره‌ای می‌باشد. تا کنون این مقیاس به زبان‌های گوناگون ترجمه و روایی و پایایی آن مورد تایید واقع شده است. در پژوهش حاضر، پایایی مقیاس فوق به روش آلفای کرونباخ و روایی به روش تحلیل عامل محاسبه گردید که مبین چهار عامل شامل بدبینی به طبیعت انسان (سه گویه مانند "اغلب مردم خوب و مهربان هستند")، تسلط‌یابی (پنج گویه مانند "بهترین راه برای کنار آمدن با مردم این است که به آن‌ها چیزهایی بگوییم که خوشحالشان کند")، عدم اطمینان (چهار گویه مانند "کسی که به دیگران اعتماد کند، خود را به دردسر انداخته است") و عدم صداقت (شش گویه مانند "دروغگویی اصلاً کار خوبی نیست") بود. لازم به تذکر است که تمام گویه‌های مذکور دارای بار عاملی بالاتر از  $0/40$  بودند (از  $0/45$  تا  $0/79$ ) و گویه‌های ۱ و ۲۰ بر اساس نمودار اسکری از کل گویه‌های مقیاس حذف شدند. نتیجه‌ی ضریب پایایی که به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید، برای عامل بدبینی به طبیعت انسان  $0/55$ ، تسلط‌یابی  $0/68$ ، عدم اطمینان  $0/63$  و عدم صداقت  $0/51$  را نشان داد. مجموعه نتایج حاصل از تحلیل عامل و ضرایب آلفای کرونباخ، گویای روایی و پایایی قابل قبول این مقیاس برای استفاده با کودکان ایرانی بود. لازم به ذکر است که در تحلیل‌ها، نمره‌ی کل حاصل از زیر مقیاس‌های مذکور، به عنوان نمره‌ی باورهای ماکیاولیستی کودکان در نظر گرفته شد.

### ۲-۳. روش اجرا

به منظور گرد آوری اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، همان‌گونه که پیش از این گفته شد، از ابزار گزینش همسالان، شاخص همدلی و باورهای ماکیاولیستی استفاده گردید. به منظور اجرای ابزار گزینش همسالان، از دانش‌آموزان خواسته شد تا برای هر گویه نام سه نفر از همکلاسی‌های خود را ذکر نمایند. به منظور اجرای ابزار مربوط به شاخص همدلی و باورهای ماکیاولیستی نیز، از آزمودنی‌ها خواسته شد تا برای هر گویه گزینه‌ی مناسب را انتخاب نمایند.

### ۳. یافته‌ها

در قسمت زیر نتایج پژوهش به تفکیک، در قالب هدف‌های پژوهش که قبل از این آمده ارایه می‌شود:

الف) بررسی رابطه‌ی بین همدلی گرم، باورهای ماکیاولیستی و کفایت و عدم کفایت اجتماعی، اولین و دومین سوال مطالعه‌ی حاضر بود. گفتنی است در این پژوهش، موقعیت اجتماعی مثبت کودکان بین همسالان به عنوان شاخص کفایت (رفتار جامعه پسند و محبوبیت میان همسالان) و موقعیت اجتماعی منفی بین همسالان، به عنوان شاخص عدم کفایت اجتماعی (پرخاشگری ارتباطی و آشکار، انزواطلبی و عدم محبوبیت میان همسالان) در نظر گرفته شد. به منظور بررسی رابطه‌ی متغیرهای پیش گفته، همدلی و باورهای ماکیاولیستی، ماتریس همبستگی میان این متغیرها محاسبه گردید. جدول ۱ ماتریس همبستگی میان این متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین همدلی گرم، باورهای ماکیاولیستی و کفایت و عدم کفایت

#### اجتماعی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. پرخاشگری ارتباطی	۱							
۲. همدلی گرم	-.۰/۳۷**	۱						
۳. رفتار جامعه پسند	-.۰/۲۶**	۰/۳۹**	۱					

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۴. انزواطلبی	۰/۲۸**	-۰/۴۱**	-۰/۳۷**	۱				
۵. پرخاشگری آشکار	۰/۴۸**	-۰/۴۳**	-۰/۲۹**	۰/۲۶**	۱			
۶. محبوبیت	-۰/۲۷**	۰/۲۹**	۰/۶۱**	-۰/۱۸*	-۰/۳۰**	۱		
۷. عدم محبوبیت	۰/۵۶**	-۰/۲۴**	-۰/۲۲**	۰/۲۴**	۰/۳۶**	-۰/۲۳**	۱	
۸. باورهای ماکیاولیستی	۰/۲۹**	-۰/۲۴**	-۰/۲۹**	۰/۲۲**	۰/۲۲**	-۰/۲۴**	۰/۲۴**	۱

\*  $p < ۰/۰۱$

\*\*  $p < ۰/۰۰۱$

همان‌طور که از نتایج جدول شماره ۱ پیداست، همدلی گرم با کفایت اجتماعی (رفتار جامعه پسند و محبوبیت میان همسالان) همبستگی مثبت و معنادار و با عدم کفایت اجتماعی (پرخاشگری ارتباطی و آشکار، انزواطلبی و عدم محبوبیت میان همسالان) رابطه‌ی منفی و معنادار نشان می‌دهد. در مقابل بین نمرات حاصل از مقیاس باورهای ماکیاولیستی با رفتارهای جامعه پسند و محبوبیت میان همسالان، رابطه‌ی منفی و با رفتارهای پرخاشگری ارتباطی و آشکار، عدم محبوبیت میان همسالان و انزواطلبی، رابطه مثبت و معنادار به دست آمد. ضریب همبستگی میان همدلی و باورهای ماکیاولیستی، مبین وجود رابطه‌ی منفی و معنادار بین این دو متغیر بود.

ب) به منظور بررسی دومین هدف و سومین سوال مطالعه، یعنی تعیین نقش پیش بینی‌کنندگی باورهای ماکیاولیستی و همدلی گرم برای کفایت و عدم کفایت اجتماعی، از شش تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش همزمان استفاده گردید. در این تحلیل‌ها، انواع شاخص‌های کفایت و عدم کفایت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته و همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی به عنوان متغیرهای پیش‌بینی کننده، وارد معادله‌ی رگرسیون شدند. جدول‌های ۲ تا ۷ این تحلیل‌ها را به تفکیک برای هر رفتار نشان می‌دهند.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی رفتار جامعه‌پسند کودکان

متغیرهای پیش بین	R	R <sup>2</sup>	ضریب استاندارد رگرسیون (بتا)	F	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
۱- همدلی گرم	۰/۴۳۸	۰/۱۹۲	۰/۳۳۸	۲۱/۷۲۲	۱۸۵	۰/۰۰۰۱
۲- باورهای ماکیاولیستی			-۰/۲۱۰			۰/۰۰۲

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی محبوبیت میان همسالان

متغیرهای پیش بین	R	R <sup>2</sup>	ضریب استاندارد رگرسیون (بتا)	F	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
۱- همدلی گرم	۰/۳۴۳	۰/۱۱۸	۰/۲۴۷	۱۲/۱۲۳	۱۸۴	۰/۰۰۱
۲- باورهای ماکیاولیستی			-۰/۱۸۷			۰/۰۱۰

نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی کفایت اجتماعی کودکان حاکی از آن بود که همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی، هر دو به پیش‌بینی رفتار جامعه‌پسند و محبوبیت، که به عنوان شاخص کفایت اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند، قادر می‌باشند. گفتنی است در هر دو تحلیل، همدلی گرم با وزن بتای بیشتر پیش‌بینی‌کننده‌ی بهتری برای کفایت اجتماعی کودکان است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی پرخاشگری ارتباطی

متغیرهای پیش بین	R	R <sup>2</sup>	ضریب استاندارد رگرسیون (بتا)	F	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
۱- همدلی گرم	۰/۴۰۳	۰/۱۶۳	-۰/۲۸۸	۱۷/۷۵۵	۱۸۵	۰/۰۰۰۱
۲- باورهای ماکیاولیستی			۰/۲۲۳			۰/۰۰۲

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش بینی پرخاشگری آشکار

متغیرهای پیش بین	R	R <sup>2</sup>	ضریب استاندارد رگرسیون (بتا)	F	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
۱- همدلی گرم	۰/۴۵۵	۰/۲۰۷	-۰/۴۰۶	۲۳/۷۱۲	۱۸۴	۰/۰۰۰۱
۲- باورهای ماکیاولیستی			۰/۱۳۱			۰/۰۵۶

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش بینی انزوای طلبی

متغیرهای پیش بین	R	R <sup>2</sup>	ضریب استاندارد رگرسیون (بتا)	F	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
۱- همدلی گرم	۰/۴۱۰	۰/۱۶۸	-۰/۳۴۰	۱۸/۵۲۵	۱۸۵	۰/۰۰۰۱
۲- باورهای ماکیاولیستی			۰/۱۴۰			۰/۰۴۵

جدول ۷: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش بینی عدم محبوبیت میان همسالان

متغیرهای ملاک	R	R <sup>2</sup>	ضریب استاندارد رگرسیون (بتا)	F	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
۱- همدلی گرم	۰/۲۷۹	۰/۰۷۸	-۰/۱۷۱	۷/۶۷۸	۱۸۴	۰/۰۲۰
۲- باورهای ماکیاولیستی			۰/۱۸۴			۰/۰۱۳

نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی شاخص‌های مربوط به عدم کفایت اجتماعی کودکان (پرخاشگری آشکار، پرخاشگری ارتباطی، انزوا طلبی و عدم محبوبیت میان همسالان) حاکی از آن بود که همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی، به پیش بینی رفتارهای پرخاشگری ارتباطی و انزوای طلبی قادر می‌باشند، اما همدلی گرم با وزن بتای بیشتر، پیش‌بینی کننده‌ی بهتری برای این رفتارها است. برای پرخاشگری آشکار، همدلی با وزن بتای ۰/۴۰۶ تنها پیش‌بینی کننده و برای عدم محبوبیت، باورهای ماکیاولیستی با اندکی تفاوت در وزن بتا نسبت به همدلی، پیش‌بینی کننده‌ی بهتری برای این رفتار بود.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

بر مبنای یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که پاسخ سوال اول پژوهش حاضر مثبت است. به بیان دیگر، یافته‌ها از وجود رابطه‌ی منفی میان باورهای ماکیاولیستی و همدلی گرم حکایت دارد. رابطه‌ی منفی بین این دو متغیر، با نظر ویلسون، نیر و میلر (۱۹۹۶) مبنی بر عدم حساسیت ماکیاولیست‌ها به عواطف و احساسات دیگران، که تحت عنوان نا وابستگی سرد مطرح شده و نتیجه‌ی تحلیل مسیر پلارینی (۲۰۰۱) که به وجود رابطه‌ی منفی میان همدلی گرم و تفکر ماکیاولیستی اشاره دارد، هماهنگ و همسو است. مک ایلوین (۲۰۰۳) در مورد چگونگی رابطه‌ی بین ماکیاولیسم و همدلی گرم بر این اعتقاد است، که ماکیاولیست‌ها با استفاده از شیوه‌های خاص، همدلی گرم را سرکوب نموده یا نادیده می‌گیرند. وی اسناد علی بیرونی را یکی از این شیوه‌ها می‌داند. به باور او اسنادی؛ همچون شانس و قدرت دیگران، می‌تواند موجب عدم احساس مسئولیت فرد نسبت به اعمالش شده و در نتیجه از نگرانی و تشویش حاصل از صدمات و آسیب‌های وارد به دیگران جلوگیری نماید. شیوه‌ی دیگری که ساتون و کو (۲۰۰۰) مطرح نموده‌اند، به تاثیر دیدگاه و جهان بینی ماکیاولیست‌ها بر میزان تجربه‌ی آنان از همدلی گرم اشاره دارد. طبق این نظر، ماکیاولیست‌ها با دیدگاه بدبینانه نسبت به انسان و تلقی دیگران به عنوان افرادی دارای نقاط ضعف گوناگون و متمایل برای فریب خوردن، خود را از سایرین جدا می‌دانند. طبیعی است در چنین شرایطی ماکیاولیست‌ها بدون متاثر شدن از انعکاس هیجانی ناشی از مشاهده‌ی ناراحتی دیگران به انجام اعمال موزیانه قادر می‌باشند. سردی عاطفی ماکیاولیست‌ها در دنیای واقعی و ارتباطات اجتماعی نیز به خوبی توجیه کننده‌ی نتایج پژوهش حاضر هستند.

یافته‌های دیگر پژوهش که پاسخگویی به سوالات دوم و سوم را میسر نمود، به وجود رابطه‌ی میان باورهای ماکیاولیستی و همدلی گرم با کفایت و عدم کفایت اجتماعی اشاره داشتند. رابطه‌ی منفی بین باورهای ماکیاولیستی و کفایت اجتماعی (رفتار جامعه پسند و محبوبیت میان همسالان) و رابطه‌ی مثبت آن با عدم کفایت اجتماعی (پرخاشگری ارتباطی و آشکار، انزواطلبی و عدم محبوبیت میان همسالان) با نتایج مطالعه‌ی اسلوتر و پریچارد (۲۰۰۰) مورد حمایت قرار می‌گیرند. محققان مذکور در پژوهشی که با نمونه‌ای از کودکان سنین ۴ تا ۵ ساله انجام شد، نشان دادند که بیشترین نمرات در مقیاس باورهای ماکیاولیستی به ترتیب مربوط به کودکان ستیزه جو، مطرود، نادیده گرفته شده، متوسط و

محبوب می‌باشد. نتایج پژوهش استرایر و رابرتس (۲۰۰۴) که به رابطه‌ی منفی همدلی با خشم و پرخاشگری و بالعکس رابطه‌ی مثبت آن با رفتار جامعه‌پسند اشاره داشت، یافته‌های این پژوهش را مورد حمایت قرار می‌دهد. رابطه‌ی مثبت بین همدلی و رفتارهای کمک‌رسانی، جامعه‌پسند و همکارانه از زمان کودکی تا نوجوانی، تایید دیگری بر یافته‌های پژوهش حاضر می‌باشند (دیویس، ۱۹۹۴، ایزنبرگ و فییز، ۱۹۹۸، هافمن، ۲۰۰۱). هم‌چنین رابطه‌ی منفی بین همدلی و پرخاشگری که از نتایج این پژوهش است، با نتایج مطالعات جمعی از پژوهش‌گران مورد تایید قرار می‌گیرد (به عنوان نمونه، استرایر و رابرتس، ۲۰۰۴، ایزنبرگ، ۲۰۰۰، کاکیان و همکاران، ۱۹۹۹، میلر و ایزنبرگ، ۱۹۸۸). نتایج فرا تحلیل آلبیرو و همکاران (۲۰۰۱) که به رابطه‌ی منفی بین همدلی و پرخاشگری در هر دو جنس اشاره دارد، نیز یافته‌های پژوهش حاضر را مورد تایید قرار می‌دهد. در این رابطه زان - واکسلر و همکاران (۱۹۹۵) آورده‌اند، کودکانی که مادرانشان هیجان بیشتری نسبت به آن‌ها ابراز می‌کنند و از استدلال هیجانی بیشتری برای توضیح موقعیت ناراحت‌کننده‌ی دیگران استفاده می‌کنند، نسبت به کودکان دیگر بیشتر همدلانه رفتار می‌کنند، به احتمال کمتر به تخلف و رفتارهای ضد اجتماعی اقدام می‌کنند، و از قدرت بیشتری برای سرکوبی خشم و پرخاشگری برخوردارند. گینی و همکاران (۲۰۰۶) نیز در این راستا از همدلی به عنوان تکنیک خنثی‌سازی خشم یاد می‌کنند و آن را عاملی برای سرکوبی خشم می‌دانند.

پاسخ آخرین سوال پژوهش حاضر، یعنی نقش پیش‌بینی‌کنندگی همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی برای کفایت و عدم کفایت اجتماعی کودکان، با توجه به یافته‌ها مثبت است. نتایج پژوهش به این مطلب اشاره داشت، که همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی اگرچه هر دو به پیش‌بینی رفتار اجتماعی و ضد اجتماعی کودکان قادر بودند، اما از بین این دو متغیر، همدلی گرم قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری برای رفتار جامعه‌پسند، انزوای و پرخاشگری ارتباطی داشت. این نتایج با یافته‌های پژوهش مک‌ماهون و همکاران (۲۰۰۶)، جولیف و فارینگتون (۲۰۱۰)، و فیندلی و همکاران (۲۰۰۶) هماهنگ و همسو است. نتایج مطالعه‌ی یورکوئیست و اوسترم (۲۰۰۶) به این مطلب اشاره دارد، که همبستگی بین هوش اجتماعی و انواع پرخاشگری با حذف همدلی افزایش می‌یابد. وی براساس این یافته‌ها به نقش میانجی‌گری همدلی گرم تاکید نموده و اظهار داشته است که هوش اجتماعی بدون وجود همدلی گرم می‌تواند تبدیل به سلاح ویرانگری شود که در



خدمت مقاصد خصمانه و سود جویانه (همچون قلدری و پرخاشگری) قرار می‌گیرد. مک ایلوین (۲۰۰۳) در باب اهمیت همدلی گرم اظهار می‌دارد، نادیده گرفتن همدلی یا سرکوب آن موجب ایجاد رابطه‌ی مثبت بین پرخاشگری و رفتارهای ماکیاولیستی می‌شود. یافته‌های واکس (۲۰۰۸) نیز در این رابطه نشان داد که همدلی به طور منفی با پرخاشگری در ارتباط بوده و تعدیل‌گری قوی برای قلدری و نزاع است. در توجیه قدرت پیش‌بینی‌کنندگی باورهای ماکیاولیستی برای رفتارهای پرخاشگرانه و جامعه‌پسند، که از یافته‌های دیگر پژوهش حاضر است، می‌توان به نتایج پژوهش رابرتس و استرایر (۱۹۹۶) اشاره نمود. محققان مذکور دریافته‌اند، باورهای ماکیاولیستی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی عدم محبوبیت کودکان بین همسالان را داراست. آن‌ها همچنین در توجیه یافته‌های خود به ویژگی‌های ماکیاولیست و نقش آن در عدم محبوبیت اشاره نمودند. مسلم است که ویژگی‌هایی؛ همچون بدبینی به طبیعت انسان، سوء ظن و بدگمانی، خودشیفتگی و بی‌اعتنایی به اصول اخلاقی و نسبی دانستن اخلاقیات (لیاری، نایت و بارنز، ۱۹۸۶) عامل مهمی برای عدم محبوبیت ماکیاولیست‌ها است.

از آنجا که نتایج پژوهش حاضر به این مطلب اشاره دارد که تمایلات همدلانه‌ی کودکان به پیش‌بینی کفایت اجتماعی (به طور مثبت) و عدم کفایت اجتماعی (به طور منفی) آنان بین همسالان قادر است، لذا آموزش همدلی گرم، به عنوان روشی برای افزایش رفتارهای جامعه‌پسند و از طرفی کاهش رفتارهای ضد اجتماعی و پرخاشگرانه، به والدین، مربیان و معلمان توصیه می‌گردد. شیوه‌هایی؛ همچون قصه‌گویی و استفاده از بازی‌های وانمودی و نیز آرایه‌ی الگوهای مناسب با نشان دادن پاسخ‌های همدلانه و گرم به ناراحتی دیگران و هم‌چنین توضیح چگونگی تاثیر رفتار بر دیگران، شیوه‌های دیگری برای رشد همدلی است که می‌توان به والدین و مربیان توصیه نمود. تدریس مسئولیت و مراقبت از دیگران، افزایش آگاهی و دانش در مورد چگونگی رشد انسان از جمله راهکارهای مفیدی است که به دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت در راستای سیاست‌ها و برنامه‌های ایجاد جامعه‌ی صلح‌آمیز و تربیت شهروندان مسئول، پاسخگو و با ملاحظه توصیه می‌گردد.

با توجه به رابطه‌ی بین میزان باورهای ماکیاولیستی کودکان و عملکرد اجتماعی مثبت و منفی آنان و هم‌چنین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی متغیر مذکور برای شاخص‌های مربوط به کفایت (به طور منفی) و عدم کفایت (به طور مثبت) توصیه می‌گردد، برنامه‌های درمان

کاهش قلدری و پرخاشگری تاکید بیشتری بر غنی شدن ارتباطات بین فردی و آموزش قوانین شهروندی و چگونگی ارتباط مناسب با دیگران داشته باشند. از آنجا که محیط خانوادگی بر رشد کودکان و شکل‌گیری باورها و نگرش‌های آنان تاثیر گذار است (اندرو، ۲۰۰۴)، ایجاد رابطه‌ی گرم و صمیمی با اعضای خانواده و نزدیکان، به خصوص در دوران اولیه‌ی رشد، به والدین پیشنهاد می‌گردد. استفاده از تکنیک‌هایی که موجب افزایش همکاری به جای رقابت می‌گردد، توصیه دیگری برای کاهش باورهای ماکیاولیستی به والدین است. در نهایت با توجه به نقش کلیدی و مهم همدلی گرم و باورهای ماکیاولیستی در چگونگی رفتار کودکان، شایسته است که مسایل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط با چگونگی شکل‌گیری، رشد و افزایش آن نزد کودکان، کانون توجه علاقه‌مندان به این زمینه قرار گیرد. استفاده از روش‌های آزمایشی برای بررسی چگونگی تاثیر آموزش همدلی بر رفتار جامعه‌پسند و پرخاشگرانه و نیز انجام پژوهش‌هایی مشابه در گروه‌های سنی و فرهنگی متفاوت، از جمله پیشنهادات پژوهشی دیگر برای محققان و پژوهش‌گران آتی است.

#### محدودیت‌ها

در این پژوهش، پژوهش‌گر با محدودیت‌ها و موانعی مواجه شده است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. این پژوهش محدود به دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی و اول راهنمایی بوده و در نتیجه نمی‌توان نتایج به دست آمده را به دیگر دانش‌آموزان یا سایر افراد جامعه تعمیم داد.

۲. برای ارزیابی باورهای ماکیاولیستی و همدلی، تنها از پرسشنامه استفاده شد.

#### یادداشت‌ها

1. Prosocial behavior
2. Machiavellian belief
3. Cool - detachment
4. Hot empathy
5. Empathy concern
6. Bully
7. Psychopath
8. Relational aggression
9. Overt aggression

## منابع

### الف. فارسی

- عارفی، مژگان و رضویه، اصغر. (۱۳۷۸). بررسی پرخاشگری آشکار و ارتباطی با سازگاری عاطفی - اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره ابتدایی. فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۵ (۱۶).
- عارفی، مژگان. (۱۳۸۶). آرایه‌ی یک الگوی علی برای عملکرد اجتماعی بر اساس نظریه ذهن با میانجی‌گری باورهای ماکیاولیستی و همدلی. رساله منتشر نشده دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز.

### ب. انگلیسی

- Albiero, P., Ingoglia, S. & Lococo, A. (2001). Designing a method to assess empathy in Italian children. In A. Bohart & D. Stipek (eds.), *constructive and destructive behavior, Implications for family, school & society* (205-223). Washington, DC: American Psychological Association.
- Ali, F., Amorim, I. S. & Chamorro-Premuzic, T. (2009). Empathy deficits and trait emotional intelligence in psychology and Machiavellism. *Personality and Individual Differences*, 47: 758-762.
- Andreou, E. (2004). Bully/victim problems and their association with Machiavellianism and self-efficacy in Greek primary school children. *British Journal of Educational Psychology*, 74: 297-310.
- Barnett, M. A. & Thompson, S. (1985). The role of perspective taking and empathy in children's Machiavellianism, prosocial behavior, and motive for helping. *Journal of Genetic Psychology*, 146: 295-305.
- Bjurkqvist, K. & Osterman, K. (2006). Social Intelligence-Empathy= Aggression?. *Aggression and Violent Behavior*, 5: 191-200.
- Bryant, B. K. (1982). An index of empathy for children and adolescents. *Child Development*, 53: 413-425.
- Christie, R. (1970). *Social correlates of Machiavellianism*. In R. Christie & F. L. Gies (Eds.), *studies in Machiavellianism* (314-338). New York: Academic Press.
- Christie, R. & Geis, F. L. (Eds.). (1970). *Studies in Machiavellianism*. London: Academic Press.
- Cliffordson, C. (2002). The hierarchal structure of empathy: dimensional organization and relations to social functioning. *Scandinavian Journal of Psychology*, 43: 49-59.
- Cliffordson, G. (2001). Parent s judgments and student s self-judgments

- of empathy. The structure of empathy and agreement of judgments based on the interpersonal reactivity index (IRI). *European Journal of Psychological Assessment*, 17: 36-47.
- Crick, N. R. & Dodge, K. A. (1996). Social information-processing mechanisms in reactive and proactive aggression. *Child Development*, 67: 993-1002.
- Crick, N. R. & Grotpeter, J. K. (1995). Relational aggression, gender, and sociopsychology adjustment. *Child Development*, 66: 710-722.
- Davis, M. H. (1994). Empathy, A social Psychological approach. USA: Wmc. Brown communication, Inc.
- Eisenberg, N. (2000). Emotion, regulation and moral development. *Annual Review of Psychology*, 51: 665-697.
- Eisenberg, N. & Fabes, F. (1998). Prosocial development. In N. Eisenberg (Eds.), *Handbook of child psychology*, Vol. 3: social, emotional and personality Development (5 th ed, pp. 701-778). New York: Wiley.
- Eisenberg, N. & Miller, D. A. (1987). The relation of empathy to prosocial and related behaviors. *Psychological Bulletin*, 10: 91-119.
- Endresen, I. M. & Olweus, D. (2002). Self-reported empathy in Norwegian adolescents: Sex-differences, age trends and relationship to bullying in D. Stipeck, & A. Bohart (Eds.), *constructive and destructive behavior. Implications for family, school, society* (147-165). Washington, DC: American Psychological Association.
- Findlay, L. C., Girardi, A. & Coplan, R. J. (2006). Links between empathy, social behavior, and social understanding in early childhood. *Early Childhood Research Quarterly*, 21: 347-359.
- Gini, G., Albiero, P., Beneli, B. & Ahoe, G. (2006). *Does empathy predict adolescent s bullying and defending behavior?* University of Padua, Italy.
- Hastings, P. D., Zahn-waxler, C., Robinson, J., Usher, B. & Bridges, D. (2000). The development of concern for others in children with behavior problems. *Developmental Psychology*, 36: 531-546.
- Hoffman, M. L. (2001). Toward a comprehensive empathy-based theory of prosocial moral development. In A Bohart & D. Stipek (eds.), *constructive & destructive behavior: Implications for family, school, & society* (61-86): Washington, Dc: American Psychological Association.
- Jolliffe, D. & Farrington, D. P. (2006). Examining the relationship between low empathy and bullying. *Aggressive Behavior*, 32: 1-11.
- Jolliffe, D. & Farrington, D. (2010). Is low empathy related to bullying after controlling for individual and social background variables?.

- Journal of adolescence*, 3: 1-13.
- Jolliffe, D. & Farrington, D. P. (2004). Empathy and offending: A systematic review and meta-analysis: Aggression and violent Behavior, 9: 441-476.
- Kaukiainen, A., Bjorkqvist, K., Lagerspetz., K., Osterman, K., Salmivalli, C. & Rothberg, S. A. (1999). The relationship between social intelligence, empathy, and three types of aggression. *Aggressive Behavior*, 25: 81-89.
- Leary, M. R., Knight, P.D. & Barnes, B.,D. (1986). Ethical ideologies of the Machiavellian. *Personality and Social Psychology Bultin*, 12: 75-80.
- Mazza, M., De Risio., Tozzini.C., Roncone. R. & Casacchia., M. (2003). Machiavellianism and Theory of mind in people affected by schizophrenia. *Brain and Cognition*, 3: 262-269.
- McHoskey, J. W., Wirzel, W. & Szyarto, C. (1998). Machiavellianism and psychopathy. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74 (1): 192-210.
- McIlwain, D. (2003). Bypassing empathy: A Machiavellian theory of mind and sneaky power. In B. Repacholi & V. Slauter (Eds.), *Individual differences in theory of mind*. (39-76) New York: Psychology press.
- McMahon, S. D., Wernsman, J. & Parens, A. L. (2006). Understanding prosocial behavior: The Impact of Empathy and Gender among African American adolescents. *Journal of Adolescent Health*, 39: 135-137.
- Miller, P. A. & Eisenberg, N. (1988). The relationships of empathy to aggressive and externalizing/antisocial behavior. *Psychological Blletin*. 103: 324-344.
- Mudrack, P. E. (1990). Machiavellianism and locus of control: A meta-analytic review. *Journal of Social Psychology*. 130: 125-126.
- Olweus, D. (1993). *Bullying at school*. Cambridge, MA: Blackwell.
- Pellarini, D. (2001). *The charismatic relationship: Leader attributes in the eyes of the flower*. Unpublished manuscript, Department of Psychology, Macquarie University, Sydney, Australia.
- Roberts, W. & Strayer, J. (1996). Empathy, emotional expressiveness and prosocial behavior. *Child Development*, 67: 449-470.
- Slaughter, V. & Pritchard, M. (2000). Determining peer acceptance amongst preschool children. Unpublished manuscript, University of Queensland.
- Smith, P. K. & Sharp, S. (1994). *School Bulling*. London: Routledge.
- Smith, P. K., Morita, Y., Junger-Tas, J., Olweus, D., Catalano, R. & Slee,

- P. (Eds.) (1999). *The nature of school bullying: A cross national perspective*. London: Routledge.
- Strayer, J. & Roberts, W. (2004). Empathy and observed anger and aggression in five-year olds. *Social Development*, 13: 1-13.
- Sutton, J. & Keogh, E. (2000). Social competition in school: Relationships with bullying, Machiavellianism and personality. *British Journal of Educational Psychology*, 70: 443-457.
- Sutton, J. & Keogh, E. (2001). Components of Machiavellian beliefs in children: Relationships with personality. *Personality and Individual Differences*, 30: 137-148.
- Thompson, M. A. & Barnett, S. T. (1985). The role of perspective-taking and empathy in children s Machiavellianism, prosocial behavior and motive for helping. *Journal of Genetic Psychology*, 148 (3): 295-305.
- Warden, D. & Mackinnon, S. (2003). Prosocial children, bullies and victims: an investigation of their sociometric status, empathy and social competence. *British Journal of Developmental Psychology*, 21: 367-385.
- Washer, S. R. R. (2008). *Empathy: A proposed moderator to the relationship between Machiavellianism and social aggression in hispanic and non-hispanic children*. PhD Dissertation. The university of Texas at Austin.
- Wilson, D. S., Near, D., & Miller, R. R. (1996). Machiavellianism: a synthesis of the evolutionary and psychological literatures. *Psychological Bulletin*, 119, 285-299.
- Wrightsman, L. S. (1991). Interpersonal trust and attitudes towards human nature. In J. P. Robinson, P. R. Shaver, & L. S. Wrightsman (Eds.), *Measures of Personality and Social Psychological Attitudes* (373-385). New York: Academic Press.
- Zahn-Waxler, C., Cole, P. M., Welsh, J. D. & Fox, N. A. (1995). Psychophysiological correlates of empathy and prosocial behaviors in preschool children with behavior problems. *Development and Psychology*, 7: 27-48.